



نشریه الکترونیکی | شماره اول | تیرماه ۹۵

# مرکز اسناد انقلاب اسلامی

## ابعاد پیدا و پنهان بهائیت



### کوتاه نوشت‌ها

- ارتباط بهائیان با رژیم صهیونیستی
- حمایت بهائیان از اسرائیل و دشمنی با مسلمانان
- توهین‌های زشت بهائیت به ایرانیان
- حمایت مصدق از بهائیان

- ارتباط بهائیان و صهیونیسم + اسناد
- ضرورت مبارزه با بهائیت از دیدگاه روحانیت



- تصویر استفتاء آیت الله گرامی از امام خمینی (ره)
- فتوای آیت الله بروجردی



- مبارزات آیت الله بروجردی با فرقه ضاله بهائیت + سند
- نقش بهائیان در کشتار مردم ایران در ۱۵ خرداد ۴۲

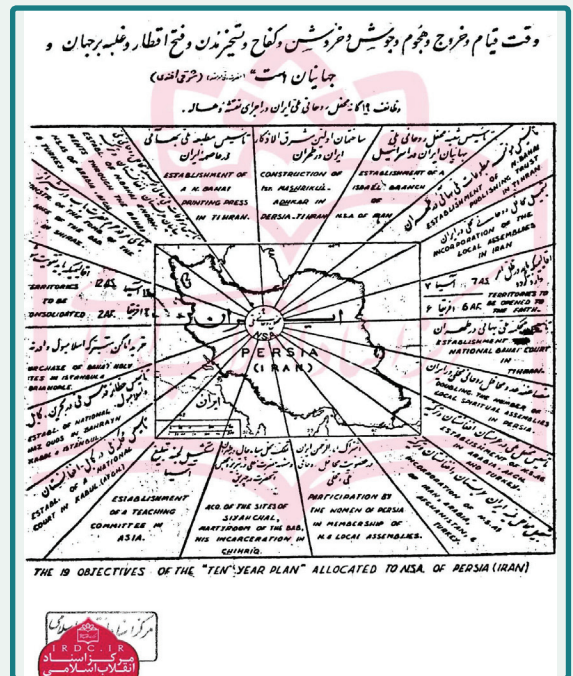


## ارتباط بهائیان و صهیونیسم + اسناد



حجت الاسلام والمسلمین روح الله حسینیان

با توجه به شرایط زمانی توسعه طلبی های صهیونیسم و رابطه ایران و اسرائیل، بیشترین حساسیت علمای شیعه نسبت به یهودی ها بود. حضرت امام خمینی (ره) در مورد لایحه انجمن های ایالتی و ولایتی این احتمال را نادیده نگرفتند که «شاید به دست جاسوسان یهود و صهیونیست تهیه



شده برای نابودی استقلال و به هم زدن اقتصاد و مملکت.» حضرت امام (ره) و سایر مراجع و علما معتقد بودند بهائیان در ایران عمال اسرائیل هستند و این لایحه بیشتر برای حاکمیت آنها در ایران طراحی شده است. حساسیت موضوع زمانی روشن می شود که دانسته شود، بهائیان، ایران را بعد از اسرائیل دومین سرزمین بهائیان و آن را مرکز قیام و تسخیر جهان می دانستند. آنها با چاپ نقشه ده ساله خود اهمیت ایران را برای بهائیت نشان دادند. [۱]

حضرت امام (ره) خطاب به علمای یزد نوشتند: «آقایان باید توجه فرمایند که بسیاری از پست های حساس به دست این فرقه است که حقیقتاً عمال اسرائیل هستند. خطر اسرائیل برای اسلام و ایران بسیار نزدیک است. پیمان با اسرائیل در مقابل دول اسلامی یا بسته شده یا می شود. علمای اعلام و خطبای محترم، سایر طبقات را آگاه فرمایند که در موقعش بتوانیم جلوگیری کنیم.» [۲]

امام خمینی (ره) در این پیام از «تسهیلاتی که دولت برای مسافرت دو هزار نفر یا بیشتر از فرقه ضاله قائل شده است»، همراه با پرداخت ارز و تخفیف در بلیط برای سمیناری که «در لندن از آنها تشکیل می شود» در حالی که در مقابل برای «حجاج بیت الله الحرام چه مشکلات که ایجاد نمی کنند»، انتقاد کردند و آن را شاهی بر «سوء نیت دولت» گرفتند.

[۳] نه تنها حضرت امام (ره) بلکه قاطبه روحانیت هدف این لایحه را حاکمیت بهائیان بر سرنوشت ایران ارزیابی می کردند. آقای فلسفی که در آن زمان سخنگوی روحانیت به حساب می آمد به نماینده دولت گفت: «این تصویب نامه هدفش شرکت زن ها در انتخابات نیست. شرکت زن ها آن قدر مهم نیست که تمام روحانیون به این کیفیت علیه آن قیام کنند. این تصویب نامه توطئه ای است بر ضد نبی اکرم (ص) و زمینه ای است برای درهم شکستن قدرت قرآن کریم و مسلط شدن عناصر کثیف بهائی بر مسلمین.» [۴]

تحلیل روحانیت بر یک پیشینه تاریخی و یک پیش بینی بسیار دقیق استوار بود. بهائیان به محض حمایت دولت و مسلط شدن بر مناصب به تحقیر و تحمیل بر مسلمانان دست زدند. به عنوان نمونه، یکی از بهائیان که مدیر عامل فروشگاه فردوسی شده بود، خانم مسلمانی که روزه دار بود و روسری به سر داشت، «روزه گرفتن» وی را «به باد تمسخر» گرفته و «به وی تکلیف می کند که یا روسری را از سر بردار یا فوراً به خدمت وی خاتمه داده خواهد شد.» [۵] بهائیان با آزادی عملی که به دست آوردند، می کوشیدند تا طبق دستور صریح آمریکا و لندن «در این مملکت مد لباس یا ساختمان ها و بی حجایی را رونق» دهند و چنان به پیش می رفتند که پیش بینی می کردند: «این مسلمانان آخر به دست بهائیان از بین می روند و دنیای حضرت بهاء الله رونق می گیرد.» [۶]

از طرف دیگر رابطه بهائیان و اسرائیل یک رابطه بسیار صمیمانه ای بود که بر محور منافع مشترک با داشتن یک دشمن مشترک به نام مسلمانان استوار شده بود. روابط بهائیان و اسرائیل به قبل از جنگ جهانی اول برمی گردد. دومین رهبر بهائیان عباس افندی (عبدالبهاء) به



سبب جاسوسی برای انگلیس و خدمتانی که در جنگ جهانی در «عکا» به سپاه انگلیس در مقابل مسلمانان عثمانی نمود، به لقب «سر» مفتخر شد و مدال قهرمانی «تایت هود» را دریافت کرد. [۷] عباس افندی که همواره تحت حمایت نیروهای انگلیسی مستقر در عثمانی و فلسطین زندگی می کرد، پس از مرگ (۱۳۰۰ ش) در حيفا دفن شد. از این تاریخ حيفا به عنوان یک شهر مقدس بهائیان مرکز تجمع

آنان گردید. پس از تشکیل دولت غاصب اسرائیل (۱۳۲۷)، شوقی افندی، چهارمین پیشوای بهائیان، سرزمین فلسطین را به عنوان مرکز اصلی بهائیت قرار داد. دولت اسرائیل اولین دولتی بود که بهائیت را به عنوان یک دین رسمی به رسمیت شناخت. شوقی شورای بین‌المللی بهائیان را - که خود مؤسس آن بود- موظف کرد که «با اولیاء حکومت اسرائیل ایجاد روابط نماید».

پروفیسور نرمان تیویچ یکی از شخصیت‌های سیاسی اسرائیل به پاس خدمات بهائیان به اسرائیل نوشت: «امر بهائی که مرکز آن حیفا و عکاست و این دو مدینه زیارتگاه پیروان آن است به درجه‌ای از پیشرفت و تقدم نایل گشته که مقام دیانت جهانی و بین‌المللی را نموده است به همین جهت بهائیان در بسیاری از کشورها به نفع دولت اسرائیل جاسوسی می‌کنند.» [۸]

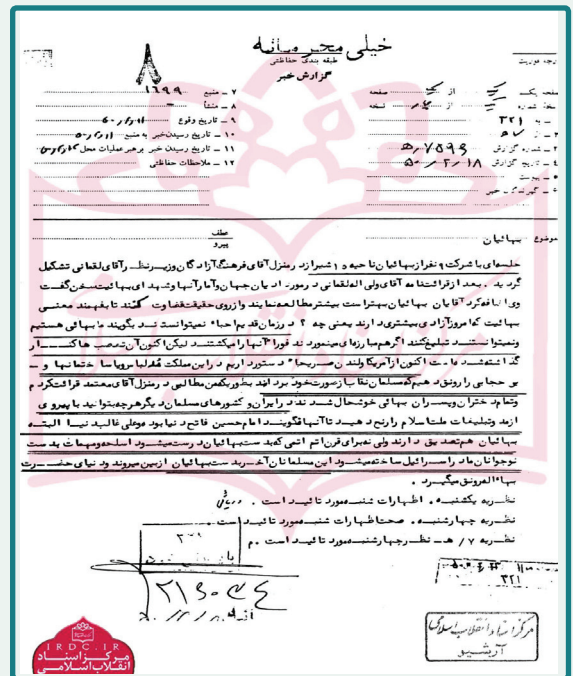
نفوذ عناصر بهائی در سازمان حکومتی ایران از زمان رضاشاه آغاز شد. رضاشاه به دلیل بیگانگی با پیکره و سنن جامعه ایران «کسانی را در مناصب مهم دولتی می‌گماشت که مانند خود او بیگانه یا معارض با این بافت بودند. بدین‌سان افراد وابسته به گروه‌های دینی خاص به ویژه بابی‌ها و بهائی‌ها» را در اداره دیوانسالاری به کار گماشت که به زودی «به قدرت برتر سیاسی و اقتصادی ایران» تبدیل شدند. [۹]

رضاشاه حتی یک سرگرد بهائی را به نام اسدالله صنیعی، آجودان مخصوص ولیعهد قرار داد. صنیعی بعداً به درجه سپهبدی رسید و مشاغل حساسی را به‌دست آورد. [۱۰]

نفوذ و قدرت بهائیان بعد از سقوط رضاشاه موجب واکنش آیت‌الله

ارزش داشت. هنگامی که مبارزات روحانیت علیه بهائیت به اوج رسید دیگر به دیدن ثریا نرفت. ثریا بسیار «نگران» شد و موضوع را از شاه جوپا شد. شاه گفت: «دکتر ایادی در یک خانواده بهائی به دنیا آمده و این روزها بزرگ‌ترین مجتهد تهران، مردم را علیه این گروه مذهبی برانگیخته است. بهتر است فعلاً در دربار آفتابی نشود». [۱۲]

پس از فروکشی شورش علیه بهائیان، ایادی از ایتالیا به دربار ایران بازگشت و به عنوان پرقدرت‌ترین عنصر سیاست ایران درآمد تا جایی که ارتشبد فردوست، یار شاه، می‌نویسد: «هی‌توان کتابی نوشت که آیا ایادی بهائی بر ایران سلطنت می‌کرد یا محمدرضا پهلوی؟» [۱۳]



بهائیان در اثر حمایت‌های رژیم در مدت کوتاهی چنان از رشد سریع و نفوذ در ارکان حکومت برخوردار شدند که طبق گزارشی که ساواک در سال ۵۱ تهیه کرده است، اسامی ۱۱۲ نفر از افسران شاغل در مراکز حساس ارتش، شهربانی و ژاندارمری و ۵۶ نفر کارمند عالی‌رتبه از وزارت تا مدیریت نام برده شده است. [۱۴]

این مشاغل حساس‌ترین پست‌ها از وزارت تا ریاست کتابخانه ارتش می‌باشد. بدیهی است که لیستی که ساواک تهیه کرده لیست کاملی از بهائیان شاغل در نیروهای مسلح و ادارات دولتی نیست. بهائیان در مدت کوتاهی بعد از جریان انقلاب سفید پست‌های حساسی را به اشغال خود درآوردند. از جمله: سپهبد اسدالله صنیعی، وزیر جنگ کابینه حسنعلی منصور امیرعباس هویدا، وزیر دارایی دولت حسنعلی منصور و نخست‌وزیر بعدی. منصور روحانی، مدیر عامل سازمان آب تهران، وزیر آب و برق و وزیر کشاورزی در دولت هویدا. لیلی امیر ارجمند، رئیس کتابخانه دانشگاه ملی، رئیس کتابخانه ملی نفت، مشاور مخصوص فرح، مدیر برنامه‌های آموزشی ولیعهد. سرلشکر پرویز خسروانی، معاون فرماندهی کل ژاندارمری در سال ۱۳۴۳، معاون نخست‌وزیر و سرپرست سازمان تربیت‌بدنی در دوره‌ی هویدا. عطاءالله خسروانی، وزیر کار. فرخ‌رو پارسا، وزیر آموزش و پرورش. دکتر منوچهر شاهقلی وزیر بهداشتی و پرویز ثابتی معاون ساواک. بهائیان در مدت کوتاهی چنان رشد کردند و مشاغل حساس را به اشغال خود درآوردند که در کابینه هویدا ۹ وزیر بهائی راه

یافت. آنها علاوه بر اشغال پست‌های حساس نظامی و سیاسی بر بسیاری از منابع اقتصادی نیز تسلط یافتند. هژبر یزدانی سرمایه‌دار معروف بهائی و صاحب سهام بانک ایرانیان و بانک توسعه کشاورزی و ثابت پاسال یکی از سرمایه‌داران بزرگ ایران بهائی بود. کلیه سهامداران شرکت زمزم (پسی کولا) بهائی بودند. حتی مراکز فرهنگی مانند تلویزیون ایران توسط حبیب‌الله ثابت پاسال اداره می‌شد.

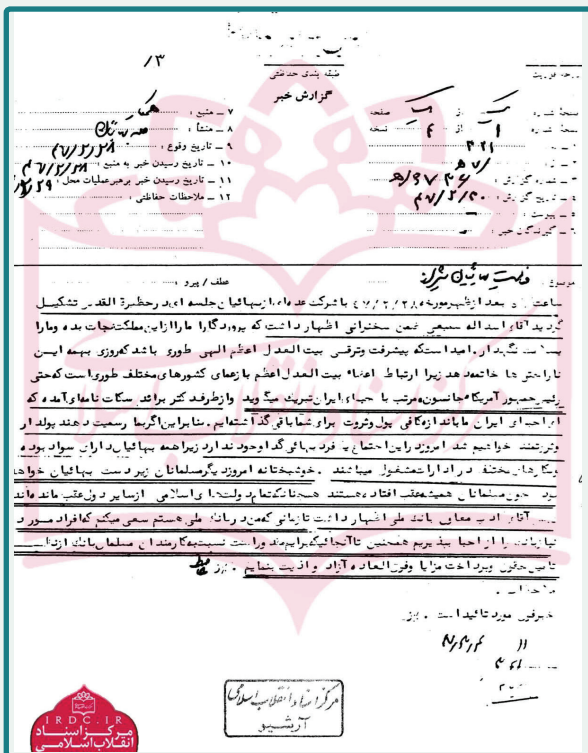
شاه چنان در حمایت از بهائیان کوشید که بهائیان مدعی بودند: «کارهایی که اکنون (سال ۴۸) به‌دست اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر صورت می‌گیرد، هیچ کدامش روی اصول دین اسلام نیست؛ زیرا خود شاه به تمام دستورات بهائی آشنایی دارد.» [۱۵]

بهائیان نه تنها مورد حمایت رژیم‌شاه بودند بلکه به گفته سپهبد اسدالله صنیعی «حتی رئیس‌جمهور آمریکا، جانسون، مرتب به احبای ایران

کمک به ارتش اسرائیل جمع‌آوری کردند. [۱۹] مجموعه اسناد بهائیت سند افتخاری است برای اثبات دقت و هوشیاری روحانیت خصوصاً حضرت امام‌خمينی(ره) که در سال ۴۱ هدف تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی را تشخیص دادند و متوجه شدند این لایحه برای نفوذ بهائیان است و بهائیان قصد تسخیر مناصب سیاسی و اقتصادی را دارند و اهداف آنها در راستای هدف اسرائیل و جاسوسی برای آنهاست.

### پی‌نوشت ۶

۱- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پرونده بهائیان تهران، سند شماره ۱۱، صفحه ۱۹۰



تبریک می‌گوید». [۱۶]

بهائیان ایران مانند سایر بهائیان جهان، جاسوسی برای اسرائیل را یک وظیفه افتخارآمیز می‌دانستند. آنها از پیروزی اسرائیل به وجد آمده بودند و رسماً می‌گفتند: «دولت اسرائیل در جنگ سال ۴۶ و ۴۷ قهرمان جهان شناخته شده. ما جامعه بهائیت فعالیت این قوم عزیز یهود را ستایش می‌کنیم... پیشرفت و ترقی ما بهائیان این است که در هر اداره ایران و تمام وزارتخانه‌ها یک جاسوس داریم و هفته‌ای یک بار که طرح‌های تهیه شده به وسیله دولت که به عرض شاهنشاه آریامهر می‌رسد، گزارش‌هایی در زمینه طرح به محفل‌های روحانی بهائی می‌رسد.» [۱۷]

بر مبنای همین اخبار ساواک نیز گزارش می‌دهد که «با توجه به اینکه دولت اسرائیل در سال ۱۹۷۲ فرقه بهائی را به‌عنوان یک مذهب به رسمیت شناخته است، به نظر می‌رسد با اجرای برنامه تحبیب از این فرقه می‌کوشد از اقلیت بهائی در سایر کشورهای جهان به ویژه ایران بهره‌برداری سیاسی، اطلاعاتی و اقتصادی نماید.» [۱۸]

بهائیان ایران گستاخی را به حدی رساندند که مبالغه‌ناگفتی پول برای

۲- صحیفه امام‌خمينی(ره)، ص ۱۸۶  
۳- روزنامه دنیا، سال ۱۹ شماره ۷۴۱، ۱۳۴۲/۲/۷، خبر از عزیمت دو هزار زن و مرد این فرقه از طریق فرودگاه مهرآباد به لندن داد و اینکه دولت به هر نفر پانصد دلار به نرخ دولتی از بانک مرکزی گرفته است. طبق این گزارش این فرقه در هشتم اردیبهشت یک اجتماع پانزده هزار نفری در لندن برای معارفه گروه ۹ نفری رهبری بهائیان تشکیل می‌شود. (به نقل از: محمدحسن رجبی، زندگینامه سیاسی امام‌خمينی(ره)، ص ۲۵۶)  
۴- محمدتقی فلسفی، ص ۲۴۳  
۵- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، سند ۲۰/۲۵۱۷۶ مورخ ۲۱/۱۰/۴۵، سند شماره ۱۲ در صفحه ۱۹۲  
۶- همان سند ۷۵۹۶/هـ مورخ ۱۸/۲/۵۰، سند شماره ۱۳ در صفحه ۱۹۳  
۷- اسماعیل رایین، انشعاب در بهائیت، تهران، مؤسسه تحقیقی رایین، بی‌تا، ص ۱۱۸  
۸- همان، صص ۱۶۹-۱۷۰  
۹- عبدالله شهبازی، زرسالاران یهودی و پارسی، استعمار بریتانیا و ایران، ج ۳، مؤسسه مطالعات و پژوهش سیاسی، ۱۳۷۹، ص ۷۸

**خیابان حرمانه**

مرکز اسناد انقلاب اسلامی  
آرشیو

شماره: .....  
تاریخ: .....  
پوست: .....

از: .....

گزارش: .....

درباره: ..... انتخابات هیئت رهبری بهائیان جهان در اسرائیل

**منظور: استحضار تیمار به است ساراواک**

فراست در تاریخ ۱۳۰۲/۲/۱۹ انتخابات امانی هیئت رهبری محفل مرکزی بهائیان جهان مرکب از نه نفر در اسرائیل آغاز گردید. این هیئت بعد از پنج سال رهبری محفل مرکزی بهائیان های جهان را به عید خواهد داشت.

همین منظور نه مفوضان محفل بهائیان از ۱۱۳ کشور جهان تا تاریخ فوق برای شرکت در این انتخابات با اسرائیل قیمت خواهند نمود.

با توجه اینکه دولت اسرائیل در سال ۱۹۷۲ فرقه بهائیان را بعنوان یک مذاهب برسمیت شناخته است بنظر میسرست با اجرای برنامه تحمیل از این فرقه میگذرد از اقلیت بهائیان در سایر کشورهای جهان بویژه ایران بهره برداری سیاسی - اطلاعاتی و اقتصادی نماید.

۱۳۰۲/۲/۱۹ - ۱۳۰۲/۲/۱۹  
اداره کل محترم -

مجلس شورای اسلامی  
کمیسیون فرهنگی  
رئیس هیئت مدیره  
اداره کل محترم

IRDC.IR  
مرکز اسناد انقلاب اسلامی

۱۰- خاطرات حسین فردوست، ص ۵۶  
۱۱- روح الله حسینیان، بیست سال تکاپوی اسلامی شیعی در ایران، صص ۳۹۶-۴۰۵  
۱۲- ثریا اسفندیاری، کاخ تنهایی، ترجمه نادعلی همدانی، ص ۱۴۷  
۱۳- خاطرات حسین فردوست، ص ۳۰۲  
۱۴- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پرونده بهائیان، گزارش شماره ۱۴/۴۳۷۶۴/۲۰/هـ/۲۱ تاریخ ۱۴/۹/۵۱، سند شماره ۱۴ در صفحه ۱۹۷  
۱۵- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پرونده بهائیان، سند شماره ۱۳۲۹/۱۳۴۲ مورخ ۵/۴/۴۸، سند شماره ۱۵ در صفحه ۱۹۸  
۱۶- همان، سند شماره ۶۷۳۶/هـ. مورخ ۲۰/۲/۴۷، سند شماره ۱۶ در صفحه ۱۹۹  
۱۷- همان، سند شماره ۶۹۴۶/هـ مورخ ۱۱/۳/۴۷، سند شماره ۱۷ در صفحه ۲۰۱  
۱۸- همان، سند شماره ۳۰۰۷/۷۰۰/۳ مورخ ۲/۲/۵۲، سند شماره ۱۸ در صفحه ۲۰۲  
۱۹- همان، سند شماره ۲۰۱/۱۴۶۵/هـ مورخ ۴/۱۰/۵/۴۶، سند شماره ۱۹ در صفحه ۲۰۳

**مجلس شورای اسلامی**

مرکز اسناد انقلاب اسلامی  
آرشیو

شماره: .....  
تاریخ: .....  
پوست: .....

از: .....

گزارش: .....

درباره: ..... انتخابات هیئت رهبری بهائیان جهان در اسرائیل

**منظور: استحضار تیمار به است ساراواک**

فراست در تاریخ ۱۳۰۲/۲/۱۹ انتخابات امانی هیئت رهبری محفل مرکزی بهائیان جهان مرکب از نه نفر در اسرائیل آغاز گردید. این هیئت بعد از پنج سال رهبری محفل مرکزی بهائیان های جهان را به عید خواهد داشت.

همین منظور نه مفوضان محفل بهائیان از ۱۱۳ کشور جهان تا تاریخ فوق برای شرکت در این انتخابات با اسرائیل قیمت خواهند نمود.

با توجه اینکه دولت اسرائیل در سال ۱۹۷۲ فرقه بهائیان را بعنوان یک مذاهب برسمیت شناخته است بنظر میسرست با اجرای برنامه تحمیل از این فرقه میگذرد از اقلیت بهائیان در سایر کشورهای جهان بویژه ایران بهره برداری سیاسی - اطلاعاتی و اقتصادی نماید.

۱۳۰۲/۲/۱۹ - ۱۳۰۲/۲/۱۹  
اداره کل محترم -

مجلس شورای اسلامی  
کمیسیون فرهنگی  
رئیس هیئت مدیره  
اداره کل محترم

IRDC.IR  
مرکز اسناد انقلاب اسلامی

۱۰- خاطرات حسین فردوست، ص ۵۶  
۱۱- روح الله حسینیان، بیست سال تکاپوی اسلامی شیعی در ایران، صص ۳۹۶-۴۰۵  
۱۲- ثریا اسفندیاری، کاخ تنهایی، ترجمه نادعلی همدانی، ص ۱۴۷  
۱۳- خاطرات حسین فردوست، ص ۳۰۲  
۱۴- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پرونده بهائیان، گزارش شماره ۱۴/۴۳۷۶۴/۲۰/هـ/۲۱ تاریخ ۱۴/۹/۵۱، سند شماره ۱۴ در صفحه ۱۹۷  
۱۵- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پرونده بهائیان، سند شماره ۱۳۲۹/۱۳۴۲ مورخ ۵/۴/۴۸، سند شماره ۱۵ در صفحه ۱۹۸  
۱۶- همان، سند شماره ۶۷۳۶/هـ. مورخ ۲۰/۲/۴۷، سند شماره ۱۶ در صفحه ۱۹۹  
۱۷- همان، سند شماره ۶۹۴۶/هـ مورخ ۱۱/۳/۴۷، سند شماره ۱۷ در صفحه ۲۰۱  
۱۸- همان، سند شماره ۳۰۰۷/۷۰۰/۳ مورخ ۲/۲/۵۲، سند شماره ۱۸ در صفحه ۲۰۲  
۱۹- همان، سند شماره ۲۰۱/۱۴۶۵/هـ مورخ ۴/۱۰/۵/۴۶، سند شماره ۱۹ در صفحه ۲۰۳

## تصویر استفتاء از امام خمینی (ره)

امام خمینی (ره) در سال ۱۳۴۳ در پاسخ به استفتاء آیت الله گرامی درباره فرقه ضاله بهائیت فرمودند: این فرقه ضاله کافر و نجس است. فرقه ضاله بهائیت از بدو ایجاد همواره به بیگانگان اعم از روس، انگلیس و آمریکا خدمت کرده است. مرجعیت آگاه شیعه که مراقب هوشیار هویت و کیان اسلامی ایران هستند، در مبارزه‌ای پیگیر با این فرقه سیاسی و ستون پنجم صهیونیسم همواره پیشگام بوده است. در عصر زعامت آیت الله بروجردی به دستور ایشان حجت الاسلام محمد تقی فلسفی با افشای ماهیت این فرقه سیاسی مهم ترین جبهه را علیه مزدوران صهیونیسم گشود تا جایی که رژیم پهلوی برای حفاظت از «حظیره القدس» آنجا را به محاصره نظامی درآورد و در یک اقدام نمایشی چند حفره در گنبد آن ایجاد کرد. علاوه بر مبارزات آیت الله بروجردی، امام خمینی (ره) هم در سال ۱۳۴۳ در پاسخ به استفتاء آیت الله گرامی درباره فرقه ضاله بهائیت صراحتاً این فرقه را کافر و نجس خواندند. علاوه بر این، امام خمینی (ره) در جایی دیگر در واکنش به حمایت آمریکا از فرقه بهائیت می فرمایند: آقای ریگان می گوید که این بهایی‌ها، بیچاره‌ها مردم آرامی، ساکتی مشغول عبادت خودشان هستند، جهات مذهبی خودشان را بجا می‌آورند و ایران برای خاطر همین که اینها اعتقادشان مخالف با اعتقاد آنهاست گرفتند. اگر اینها جاسوس نیستند شما صدایتان در نمی‌آید. شما برای خاطر اینکه، اینها یک دسته‌ای هستند که به نفع شما هستند، والا ما شما را می‌شناسیم، امریکا را هم می‌شناسیم که انساندوستی‌اش گل نکرده است که حالا برای خاطر ۲۲ نفر بهایی که در ایران به قول ایشان گرفتار شدند، برای انساندوستی یک وقت همچو صدا کرده و فریاد کرده و به همه عالم متشبه شده است که به فریاد اینها برسید. مردم شما را می‌شناسند، اگر دلیلی ما نداشتیم به اینکه اینها جاسوس امریکا هستند جز طرفداری ریگان از آنها کافی بود. شکی نداریم که بهائیان جاسوس و توطئه گر هستند. [۱]

۱- صحیفه امام خمینی (ره) - جلد ۱۷ - صفحه ۴۵۹.

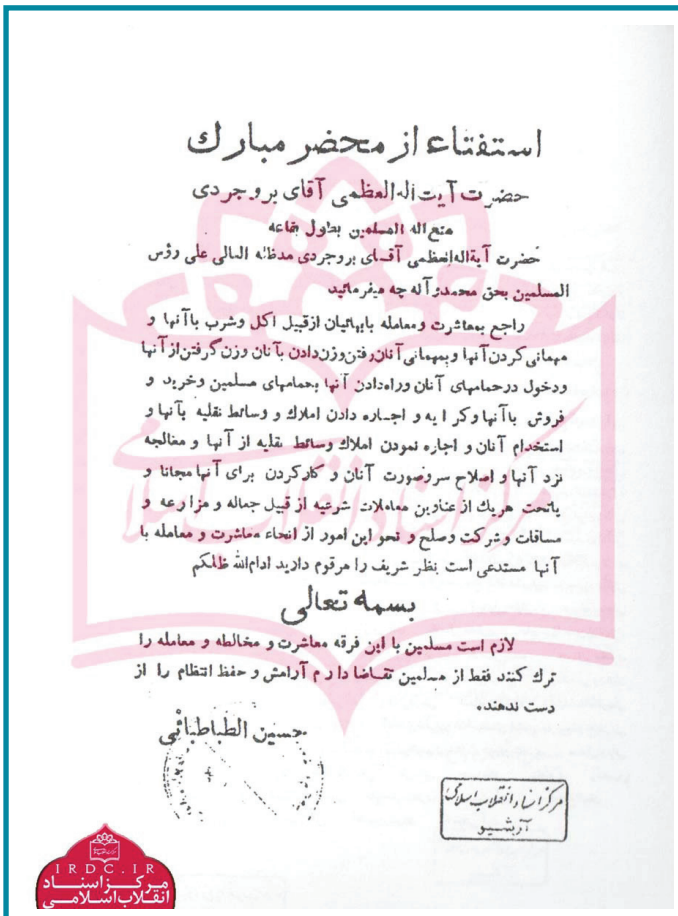
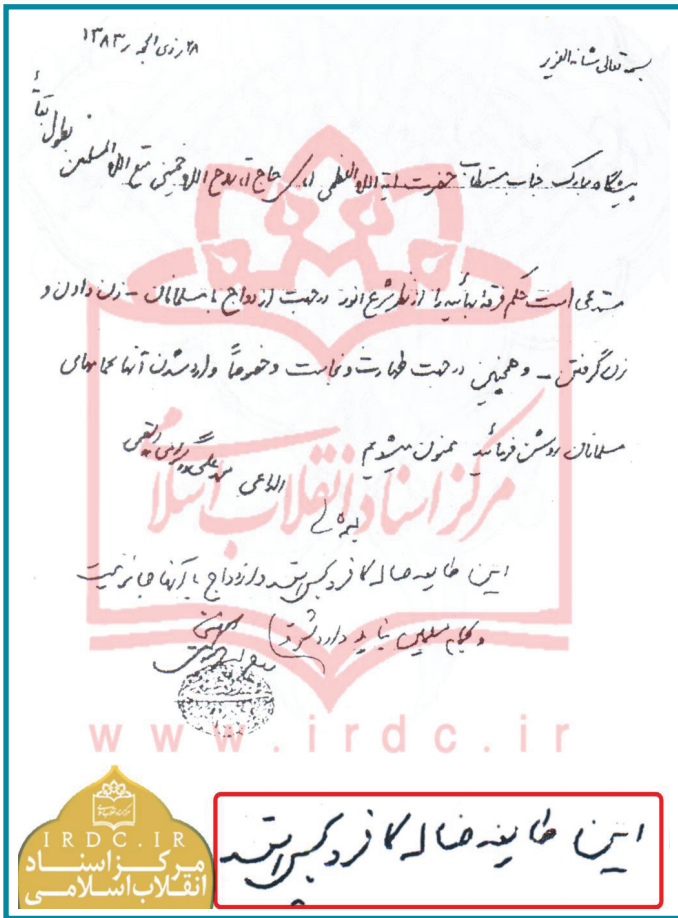
پی نوشت

## فتوای آیت الله بروجردی

با شدت یافتن مبارزات علیه بهائیت، عده‌ای از وعاظ و روحانیون از محضر آیت الله بروجردی تقاضای استفتاء کرده و راجع به معاشرت و معامله با بهائیان، مهمانی کردن و به مهمانی آنان رفتن، زن دادن و زن گرفتن از آنها، خرید و فروش با بهائیان و به طور کلی ارتباط با اعضای این فرقه از ایشان جواب خواستند. آیت الله بروجردی نیز در مقابل استفتاء مردم، فتوایی به این نحو صادر کردند: «لازم است مسلمین با این فرقه معاشرت و مخالطه و معامله را ترک کنند. فقط از مسلمین تقاضا دارم آرامش را حفظ کنند و انتظام را از دست ندهند.» [۱] متعاقب این فتوا اعلامیه‌های متعددی از سوی اقشار مختلف مردم در پذیرفتن اجرای آن صادر شد.

۱- تریا شهسواری، اسناد فعالیت بهائیان در دوره محمدرضا پهلوی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ص ۲۲۵.

پی نوشت



## مبارزات آیت‌الله بروجردی با فرقه ضاله بهائیت + سند



محمد جعفر بگلو

با اوج گرفتن تحركات بهائیان، مبارزه با این فرقه در دستور کار روحانیت قرار گرفته و حوزه‌های علمیه و روحانیون در صف اول مبارزه با بهائیان قرار گرفتند. از این بین مبارزات آیت‌الله بروجردی در قالب مرجعیت شیعه از اهمیت بالایی برخوردار بود. آیت‌الله بروجردی همواره نسبت به همدستی رژیم منحوس پهلوی با بهائیت اظهار تاسف کرده و هشدار می‌داد و در شرایط حساس اقدام به صدور فتوا علیه این فرقه ضاله می‌کرد. از اواخر دهه بیست با اوج گرفتن تحركات بهائیان، مبارزه با این فرقه در دستور کار روحانیت قرار گرفته و رفته‌رفته جنبه سیاسی به خود گرفت. چرا که مبارزه با بهائیت از یک سو مبارزه با استکبار غربی به عنوان حامیان این فرقه بود و از طرف دیگر مبارزه با حکومت و اجزای آن تلقی می‌شد، زیرا بسیاری از چهره‌های مهم و متنفذ دربار پهلوی معروف به داشتن گرایش بهائینگری بودند. در چنین شرایطی حوزه‌های علمیه و روحانیون در صف مبارزه با بهائیان قرار گرفتند. از این بین مبارزات آیت‌الله بروجردی در قالب مرجعیت شیعه از اهمیت بالایی برخوردار بود.

### ارسال نامه‌های شکایت‌آمیز مردم از بهائیان به آیت‌الله بروجردی

آیت‌الله بروجردی همواره نسبت به همدستی رژیم منحوس پهلوی با بهائیت اظهار تاسف کرده و هشدار می‌داد. علاوه بر این، پیوسته از ولایات نامه‌هایی مبنی بر تحركات بهائیان به بیت ایشان می‌رسید. از جمله در سال ۱۳۲۹ عده‌ای از اهالی الیگودرز طی نامه‌ای از گسترش تبلیغات سوء بهائیان، اهانت به مقدسات اسلامی و همدستی رؤسا و مدیران دولتی با آنها شکایت کرده بودند. بر همین اساس آیت‌الله بروجردی، حجت‌الاسلام فلسفی را مأمور ملاقات با مقامات رژیم پهلوی می‌کند تا شکایت مردم و علما را به گوش دربار برساند. متن نامه ارسالی آیت‌الله بروجردی به حجت‌الاسلام فلسفی از این قرار بود:

«بسم الله الرحمن الرحیم؛ به عرض می‌رساند، امید آنکه وجود محترم از بلیات محفوظ بوده، موفق و مؤید باشید. چند روز است که از اطراف به وسیله مکاتیب و تلگراف به من شکایت از فرقه ضاله بهائیه می‌کنند. از جمله مکتوبی است که از اطراف کرمان رسیده و تلگرافاتی است که از الیگودرز مخابره و رونوشت به حقیر داده‌اند. مکتوبی هم امروز از جناب مستطاب ثقه‌الاسلام آقای شیخ محمد مصدراوموری که در الیگودرز است رسیده، چنین معلوم می‌شود که بخشدار و سایر رؤسای ادارات از فرقه ضاله بهائیه حمایت می‌کنند و قاسم فولادوند به واسطه حماقتی

که دارد، بخشدار و غیره را تقویت می‌نماید. لذا عده‌ای از مسلمین در تلگرافخانه متحصن شده‌اند. خواهشمند است جنابعالی جناب اشرف آقای نخست‌وزیر را ملاقات کنید و مطلب را به ایشان برسانید که هرچه زودتر قضیه را خاتمه دهند که منجر به نزاع و مقابله و خونریزی نشود. در خاتمه سلامت و سعادت جناب مستطاب را از خداوند تعالی مسئلت می‌نمایم.» [۱]

به نظر می‌رسد هشدار آیت‌الله بروجردی مبنی بر ختم شدن تحركات بهائیان به خونریزی بسیار جدی بوده است چرا که در همان دوران در یکی از دهات یزد، بهائی‌ها چند تن از مسلمانان را که در مقابل فعالیت این فرقه واکنش نشان داده بودند به قتل رساندند. در آن باره نیز آیت‌الله بروجردی مجدانه خواستار محاکمه و مجازات عاملین این اتفاق بودند.

### حمایت مصدق از بهائیان

چنانکه ذکر شد یکی از شیوه‌های مبارزاتی آیت‌الله بروجردی با بهائیت، آگاه‌سازی مقامات دولتی و صاحب‌منصبان کشوری از تحركات و اقدامات مضره این فرقه بود. در همین راستا به دستور آیت‌الله بروجردی، حجت‌الاسلام فلسفی با مصدق، نخست‌وزیر وقت، دیدار کرد اما متوجه شد که او نیز حامی بهائیان است.

حجت‌الاسلام فلسفی جزئیات این ملاقات را این‌گونه روایت می‌کند:

«بهائی‌ها در شهرستان‌ها مسئله‌ساز شده بودند و قدرتمایی می‌کردند. به امر حضرت آیت‌الله‌العظمی بروجردی، وقت ملاقات گرفتم و نزد مصدق رفتم و پیام آقای بروجردی را به وی رساندم و گفتیم: شما رئیس دولت ایران هستید و الان بهائی‌ها در شهرستان‌ها فعال هستند و مشکلاتی را برای مردم مسلمان ایجاد کرده‌اند؛ لذا مرتباً نامه‌هایی از آنان به عنوان شکایت به آیت‌الله بروجردی می‌رسد؛ ایشان لازم دانستند که شما در این باره اقدام بفرمائید.

مصدق بعد از تمام شدن صحبت من به‌گونه تمسخرآمیزی قاه‌قاه و با صدای بلند خندید و گفت:

آقای فلسفی از نظر من مسلمان و بهائی فرق ندارند! همه از یک ملت و ایرانی هستند!

این پاسخ برای من بسیار شگفت‌آور بود زیرا اگر سوال می‌کرد فرق بین بهائی و مسلمان چیست برای او توضیح می‌دادم. اما با آن خنده تمسخرآمیز و موهن دیگر جایی برای صحبت کردن باقی نماند.

لذا سکوت کردم و موقعی که به محضر آیت‌الله بروجردی رسیدم این جمله را گفتم ایشان نیز به حالت بهت و تحیر پیام مصدق را استماع کرد.» [۲]



## تلاش رژیم پهلوی برای فریب مردم و علما

با دامنه دار شدن اعتراضات مردم و روحانیون علیه بهائیت، دستگاه پهلوی به منظور اغفال علما و مردم دست به یک سری اقدامات ظاهری علیه بهائیت زد؛ به عنوان مثال برای حفاظت از «حظیره القدس» آنجا را به محاصره نظامی درآورد و در یک اقدام نمایشی چند حفره در گنبد آن ایجاد کرد. علاوه بر این، منازل، اماکن مقدسه و قبرستان بهائیان نیز به طور نمادین به تصرف دولت درآمد. [۳]

آیت الله بروجردی در آغاز امیدوار بود که با تذکر در مورد خطری که از سوی بهائیان متوجه دین، دولت و ملت است، مقامات دولتی را وادار کند تا در مورد آن مسئله اقدام کرده و از نفوذ آنها در دستگاه‌های دولتی و خودسری‌ها و آشوب و بلوای آنان جلوگیری کنند؛ اما پس از یک سلسله مکاتبات و پیام‌های شخصی برای نخست‌وزیران وقت و دیگر مقامات، وقتی که بی تفاوتی آنها را به آن مسئله احساس کرد و حتی متوجه ارتباط بهائیان با مقامات دولتی شد، مذاکره با مقامات مملکتی را «لغو و بیهوده» دانست.

## آیت الله بروجردی: ایجاد نفوذ و تقویت فرقه بهائیت از روی عمد است

در همین رابطه آیت الله بروجردی در نامه‌ای به حجت الاسلام فلسفی، ایجاد زمینه‌های فعالیت بهائیان از سوی رژیم را غیرسهوی و عمدی دانست و نوشت:

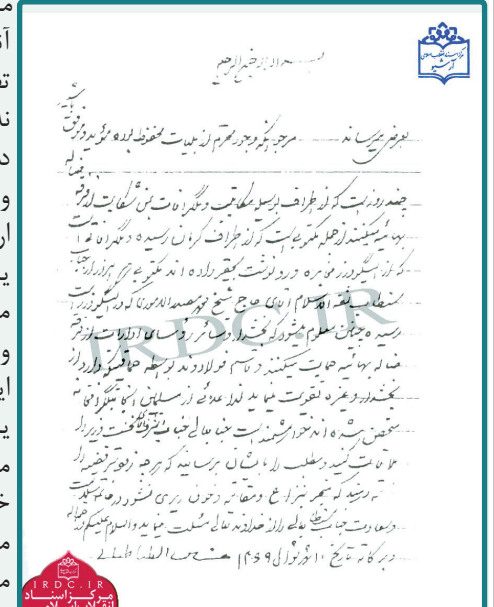
«بسم الله الرحمن الرحیم؛ به عرض می‌رساند مرقوم شریف واصل گردید؛ جوابی که داده‌اند دال بر این است که ایجاد نفوذ و تقویت این فرقه از روی عمد و قصد است نه خطا و سهو؛ تظاهراتی که نادرا از سوی دولت

مشاهده می‌شود بر آنها، فقط و فقط تظاهر و اغفال است نه حقیقت؛ و این دستگاه یا آلت صرف و متحرک و بدون اراده و اختیار است یا به غلط مصلحت مملکت را در تقویت و موافقت منویات این‌ها تشخیص داده؛ یا بعضی چرخ‌های آن مصلحت شخصی خود را بر مصلحت مملکت ترجیح می‌دهد. به هر تقدیر مذاکرات در این

موضوع را [با دولت] لغو و بیهوده می‌بینم.» [۴]

## نگرانی آیت الله بروجردی از ارتباط بهائیان با دستگاه‌های دولتی

بعد از ماه مبارک رمضان سال ۱۳۳۳ و با اوجگیری فعالیت بهائیان و افشای ارتباط آنها با دستگاه‌های دولتی، آیت الله بروجردی طی مصاحبه‌ای با روزنامه کیهان خواستار اخراج بهائیان از ادارات دولتی و



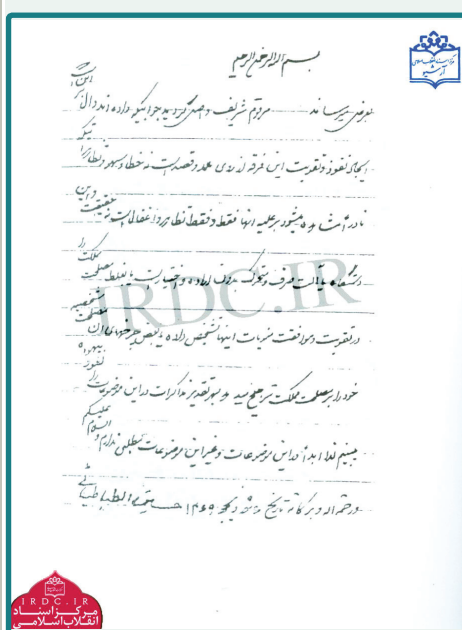
بناگاه‌های ملی شد [۵]؛ ایشان در همین رابطه نامه‌ای به حجت الاسلام فلسفی نوشته و از او خواست تا ضمن دیدار با محمدرضا پهلوی، اعتراض و گله‌مندی معظم‌له از این وضعیت را به گوش او برساند. متن نامه چنین بود:

«بسم الله الرحمن الرحیم؛ به عرض عالی می‌رساند چندی قبل از آبادان مکتوبی از بعضی وکلا حقیر رسیده و اظهار داشته بودند که تقریباً اداره امور نفت آبادان با

فرقه بهائیه شده. دیروز مکتوب دیگری از بعضی وکلا حقیر نیز رسید که موید مکتوب اول بود. نمی‌دانم اوضاع ایران به کجا منجر خواهد شد. مثل آنکه اولیاء امور ایران در خواب عمیقی فرو رفته‌اند که هیچ صدایی هر چند مهیب باشد آنها را بیدار نمی‌کند. عاقبت امور ایران را از این فرقه حقیر خیلی می‌بینم. به اندازه‌ای

اینها در ادارات دولتی راه دارند و مسلط بر امور هستند که دادگستری جرئت اینکه یک نفر از اینها را که ثابت شده قاتل بودن او در ابرقوه پنج مسلمان بی‌گناه را، مجازات نمایند ندارند. نمی‌دانم با که باید صحبت کرد و با کدام ناقوس خوابیده‌ها را بیدار کرد. گمان ندارم اندک فایده‌ای مترتب شود. به کلی حقیر از اصلاحات این مملکت مایوسم.» [۶]

- ۶ پی‌نوشت‌ها
- ۱- میکائیل جواهری، بهائیت پادجنبش تجدید حیات ملت ایران، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ص ۴۹۴.
  - ۲- علی دوانی، خاطرات و مبارزات حجت الاسلام فلسفی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ص ۱۳۸.
  - ۳- لیلیا چمن‌خواه، بهائیت و رژیم پهلوی، تهران: نگاه معاصر، ص ۱۴۷.
  - ۴- علی دوانی، خاطرات و مبارزات حجت الاسلام فلسفی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ص ۱۹۸.
  - ۵- سعید زاهد زاهدانی، بهائیت در ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ص ۲۵۰.
  - ۶- علی دوانی، خاطرات و مبارزات حجت الاسلام فلسفی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ص ۱۹۹.
  - ۷- ثریا شهنساری، اسناد فعالیت بهائیان در دوره محمدرضا پهلوی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ص ۲۲۵.





## ضرورت مبارزه با بهائیت از دیدگاه روحانیت



حجت الاسلام والمسلمین روح الله حسینیان

نگاه مرجعیت شیعه بعد از شهریور ۱۳۲۰ به بهائیت نیز یک نگاه دین‌مدارانه بود. از آن جهت مخالف بودند که آنها را یک گروه بدعت‌گذار و دین‌ساز می‌دانستند که مکتب آنها بر هیچ بنیاد دینی و کتاب آسمانی بنیان نیافته بود. افزون بر وابستگی آنها به بیگانگان و قدرتمند شدن تدریجی آنها در ایران، بیم آن می‌رفت که بر مؤمنان سلطه یابند؛ لذا روحانیت در همه حال با بابیت و بهائیت مخالف بود، ولی به دلیل فعالیت زیاد بهائیت بعد از دهه‌ی ۱۳۲۰، مخالفت روحانیت نیز مضاعف گردید. روحانیت و مرجعیت شیعه در طول تاریخ به مسائل و حوادث، اشخاص، فرقه‌ها، احزاب، و ملل و نحل مختلف با نگاهی دینی و موضعی از جایگاه مذهب نگریده است. حتی در مبارزات ضد استعماری علما، هیچ‌گاه احساسات ناسیونالیستی دخالتی نداشته است. استعمار را از آن جهت خبیث و شیطانی می‌دانستند که عینیت سلطه‌ی کفار بر مؤمنان بود. با استبداد به آن جهت به مبارزه برمی‌خاستند که غاصب است و احترام جان و مال مؤمنان را پاس نمی‌دارد. در انقلاب مشروطه، مراجع نجف از آن جهت حمایت کردند که مشروطه را قدرتی می‌پنداشتند که فاصله‌ی کمتری با حاکمیت دینی، نسبت به استبداد داشت و امید داشتند که مشروطه بتواند مجری احکام معطل مانده‌ی اسلام شود. در جنگ ایران و روس به آن جهت شرکت کردند که سلطه‌ی کفار را از مؤمنان بزدایند و با قرارداد رژی نیز از آن جهت مخالفت کردند که کفار بر مؤمنان سلطه‌ی اقتصادی نیابند. طبق اسناد موجود سال ۱۳۲۲ ش مطابق با سده‌ی اول بهائیت بود. در کتاب‌های بهائیان پیش‌بینی شده بود که پایان قرن اول بهائیان، پیروزی آنان آغاز خواهد شد؛ لذا محافل بهائیان، فعالیت و تبلیغات خود را به سر حد امکان رساندند. در یکی از دستورات شوقی‌افندی رهبر بهائیان آمده بود: «قبل از انقضای قرن اول تکثیر مراکز و محافل در مدن و قرای در هر یک از ایالات، مهدام‌الله است. مساعی فوری و مستمر، منظم و دلیرانه ضروری، ملاء اعلی برای تضمین فتح و ظفر مهیا. احباء فتوحات باهره را به کمال اشتیاق منتظرم». به‌دنبال این دستور از رهبری بهائیان در عکاء اسرائیل، محفل بهائیان در ایران بخشنامه‌ای را در تاریخ چهاردهم تیرماه ۱۳۲۲ مطابق با سیزدهم شهرالرحمه سال صدم بهائیان صادر و به محافل بهائیان اعلام کرد که:

«برای وصول به سر منزل مقصود باید در این چند ماه محدود که از آخرین سال قرن اول دوره‌ی بهائی باقی مانده به همتی بی‌نظیر و فعالیتی بی‌مثیل مراحل باقیه را بیمایند و در این سبیل بی‌نهایت جدیت و مداومت نمایند تا دستور مطاع مقدس به نحو اکمل و اتم اجرا و تنفیذ گردد».[۱]

به‌دنبال این فرامین، فعالیت بهائیان در نفوذ به ادارات دولتی، ساختن محفل و تبلیغ و تظاهرات به شدت گسترش یافت. گستاخی بهائیان به جایی رسید که در شب نیمه‌ی شعبان ۱۳۲۳ یکی از شیعیان را در شاهرود به قتل رساندند. موضوع تحت پیگرد قرار گرفت و دادسرای شاهرود پرونده‌ای تشکیل و شروع به رسیدگی کرد. در این پرونده،

گزارشی از رئیس شهربانی به فرمانداری شاهرود ثبت شده که نشانگر نفوذ و گستاخی بهائیان است. در این گزارش آمده است:

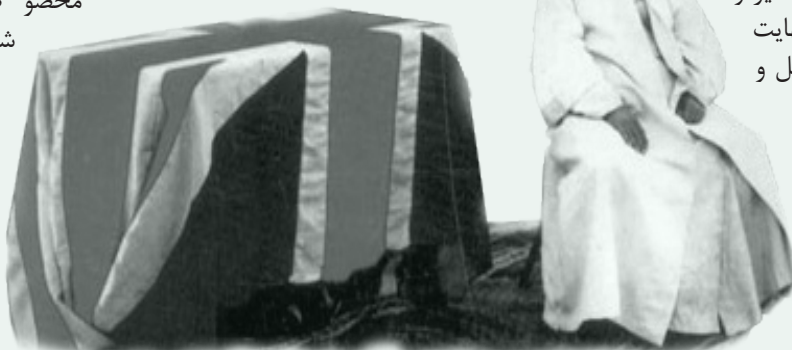
«۱- آقای نادری رئیس اداره‌ی دخانیات ۲- آقای رهبانی رئیس [اداره‌ی] غله و خواروبار ۳- قبادی کارمند راه‌آهن ۴- آقای جذبانی کارمند پست و تلگراف ۵- آقای شیدایی کارمند راه شوسه و آقایان خورشیدی و آقازاده کارمندان اداره‌ی فرهنگ و بعضی از مأمورین دولتی که به طور مرخصی و به مقصود تبلیغات به شاهرود وارد، مدتی توقف و بعداً به محل مأموریت عزیمت نموده و بر تشکیل انجمن‌های سری و محرمانه مبادرت و به طور سکریت پیشرفت مقاصد منویات خود را ادامه، تا اینکه اخیراً به‌طریق تجاسر عملیات خود را پیگرد و حتی در شب سوم شعبان (شب تولد خامس آل عبا) دوم مرداد ۲۳، ولی سبحانی سنگسری مقیم شاهرود در خیابان تهران به‌طور علنی به مذهب مقدس اسلام هتاکی... اقدامات بی‌رویه‌ی آنان موجب هیجان و عصبانیت همگی را فراهم...» [۲]

یکی از اقدامات زشت بهائیان، واقعه‌ی ۱۳/۱۰/۱۳۲۸ ابرقو بود. در این واقعه، چند نفر بهائی به خانه‌ی زنی شیعی که روی اعتقادات خود پای می‌فشرد، شبانه حمله می‌کنند و شش نفر را به‌طرز فجیعی به قتل می‌رسانند. طبق کیفرخواست پرونده، اسامی این شش نفر عبارت است از: ۱- صغرا ۵۰ ساله و پنج نفر از فرزندان او به نام‌های ۲- معصومه ۱۵ ساله ۳- خدیجه ۱۱ ساله ۴- بی‌بی ۸ ساله، ۵- علی‌اکبر ۱۴ ساله ۶- حسین ۶ ساله. جرم این زن این بوده که به «بهائی‌ها فحاشی و به طوری در این قسمت متعصب بود که در مساجد و مجامع عمومی که وعاظ مشغول وعظ بودند در پای منبر با صدای بلند فریاد می‌کرد، که به عباس افندی و سران بهائی لعن کنید».[۳]

شاهدان عینی از گستاخی‌های بهائیان داستان‌هایی را نقل می‌کنند که روحیه‌ی تهاجمی بهائیان را نشان می‌دهد. حجت‌الاسلام ارسنجانی که در رمضان سال ۱۳۲۹ برای تبلیغ به سروستان فارس رفته بود، نقل می‌کنند که بهائیان حتی چاه حمام مسجد محل را پر کردند و به حمام زنانه هجوم و زن کدخدا را لخت از حمام بیرون آوردند.[۴]

مبلغین بهائی، آزادانه به شهرها و روستاها می‌رفتند و علناً مردم مسلمان را به کیش بهائیت دعوت می‌کردند. آنان سعی می‌کردند از زنان زیبا برای تبلیغ استفاده کنند که بتوانند جوانان را بیشتر جذب کنند. اقدامات دکتر برجیس بهائی در کاشان در بی‌احترامی به قرآن و هتک ناموس مردم و تبلیغ بهائی‌گری در آن سال‌ها داستانی افسانه‌ای شده بود. بهائی‌ها در سرتاسر کشور، ساختمان‌هایی را به نام محفل تأسیس کرده بودند و عده‌ای از مردم ساده‌لوح را دور خود جمع کرده و به اصطلاح آنها را بهائی کرده بودند. در تهران نیز، مرکزی بزرگ به نام حظیره‌القدس داشتند که دارای گنبد و تالاری بزرگ بود. بهائیان چنان در بدنه‌ی حکومت نفوذ کرده بودند که حتی پزشک

مخصوص شاه،



فردی بهائی به نام دکتر ایادی بود. فردوست، یار شاه، در مورد ایادی می‌گوید: «می‌توان کتابی نوشت که آیا ایادی بهائی بر ایران سلطنت می‌کرد یا محمدرضا پهلوی؟ تمام ایرانیان رده‌ی بالا چه در ایران باشند و چه در خارج، خواهند پذیرفت که سلطان واقعی ایران ایادی بود... در زمان حاکمیت ایادی بود که بهائی‌ها در مشاغل مهم قرار گرفتند و در ایران بهائی بیکار وجود نداشت.» [۵]

به هر حال رفتار گستاخانه‌ی بهائیان، تبلیغ و ترویج بهائیت بین مسلمانان، نفوذ و گسترش آنها بین سازمان‌های دولتی، موجی از حساسیت و مخالفت را بین مردم ایران برانگیخت و مردم با ارسال «طومارهای مفصل و بسیار» [۶] از شهرهای مختلف به آیت‌الله بروجردی پناه آوردند. به گفته‌ی مرحوم فلسفی «آیت‌الله بروجردی در یک فشار شدید افکار عمومی واقع شده بود. مرتبا از ولایات، نامه می‌آمد که مثلا فرماندار اینجا بهائی است و یا رئیس فلان اداره بهائی است و چه‌ها که نمی‌کند.» [۷]

آیت‌الله بروجردی خود در هنگامی که در بروجرد بودند، شاهد نفوذ و جسارت بهائیان بوده‌اند. «فرقه‌ی ضاله‌ی بهائیت فعالیت‌های خود را در بروجردی و به‌خصوص در ادارات دولتی تشدید کرده بودند.» گستاخی به جایی رسید که «یکی از مدارس دینی شهر را تخریب و به جای آن دبیرستانی بنا نهادند.» آیت‌الله بروجردی از راه‌های قانونی برای جلوگیری از اقدامات آنها هر چه تلاش کرد، موفق نشد تا اینکه «به‌عنوان اعتراض به این امر از شهر خارج شدند. خبر عزیمت ایشان در اندک مدتی مردم شهر و نواحی اطراف را به تظاهرات و اجتماع در تلگرافخانه واداشت.» تا اینکه دولت «احساس خطر نموده و سعی در مراجعت ایشان به شهر می‌نماید» و دست به انتقال بهائیان از ادارات شهر می‌زند. [۸]

به هر حال فشارهای روزافزون مردمی باعث شد تا آیت‌الله بروجردی دست به اقدام شود. ابتدا روحانیون را برای خنثی‌سازی تبلیغات بهائی‌ها به محل فعالیت‌های تبلیغاتی آنها می‌فرستادند و هم‌زمان برای جلوگیری از اقدامات خشونت‌آمیز بهائیان، طبق روش سیاسی خود به دولت‌های وقت متوسل می‌شدند. در ابتدا آیت‌الله با ارسال نامه‌ای از آقای فلسفی می‌خواهند که موضوع را به نخست‌وزیر (رزم‌آرا) تذکر دهند. آیت‌الله در این نامه نوشتند:

«... چند روز است که از اطراف به وسیله‌ی مکاتبه و تلگرافات به من شکایات از فرقه‌ی ضاله‌ی بهائیه می‌کنند. از جمله مکتوبی است که از اطراف کرمان رسید، و تلگرافی است که از الیگودرز مخابره... چنین معلوم می‌شود که بخشدار و سایر رؤسای ادارات از فرقه‌ی ضاله‌ی بهائیه حمایت می‌کنند... خواهشمند است جنابعالی جناب اشرف آقای نخست‌وزیر را ملاقات کنید و مطلب را به ایشان برسانید که هر چه زودتر قضیه را خاتمه دهند که منجر به نزاع و مقابله و خونریزی نشود.» [۹]

تذکر آیت‌الله بروجردی به رزم‌آرا اثر نکرد. پس از نخست‌وزیری مصدق، آیت‌الله به آقای فلسفی مأموریت دادند تا با مصدق درباره‌ی فعالیت بهائیان صحبت کند. آقای فلسفی نزد مصدق رفت و پیام آیت‌الله را ابلاغ کرد و گفت: «شما رئیس دولت اسلامی ایران هستید و الان بهائی‌ها

در شهرستان‌ها فعال هستند و مشکلاتی را برای مردم مسلمان ایجاد کرده‌اند، لذا مرتبا نامه‌هایی از آنان به عنوان شکایت به آیت‌الله بروجردی می‌رسد. ایشان لازم دانستند که شما در این باره اقدامی بفرمایید». دکتر مصدق «به‌گونه‌ای تمسخرآمیزی، قاه‌قاه و با صدای بلند خندید و گفت: آقای فلسفی از نظر من مسلمان و بهائی فرقی ندارند، همه از یک ملت و ایرانی هستند.» [۱۰]

نظر آیت‌الله بروجردی همچنان مورد بی‌اعتنایی دولت‌ها قرار می‌گرفت تا اینکه اخبار نگران‌کننده‌ای به آیت‌الله رسید. وی بعد از رمضان سال ۱۳۳۳، نامه‌ای به آقای فلسفی نوشت تا شاه را ملاقات و با وی مذاکره نماید. آیت‌الله در این نامه نوشتند: «به عرض عالی می‌رساند چندی قبل از آبادان مکتوبی از بعضی وکلای حقیر رسیده بود و اظهار داشته بودند که تقریبا اداره‌ی امور نفت آبادان با فرقه‌ی بهائیه شده... نمی‌دانم اوضاع ایران به کجا منجر خواهد شد؟ مثل آنکه اولیای امور در ایران در خواب عمیقی فرورفته‌اند... شاید بشود در موقعی بعضی اولیای امور را بیدار کنید و متنبه کنید که قضایای این فرقه کوچک نیست. عاقبت امور ایران را از این فرقه، حقیر، خیلی وخیم می‌بینم. به اندازه‌ی اینها در ادارات دولتی راه دارند و مسلط بر امور هستند که دادگستری جرأت اینکه یک نفر از اینها را که ثابت شده قاتل بودن او در ابرقو، پنج مسلمان بی‌گناه را، مجازات نمایند... به هر تقدیر اگر صلاح دانستید از دربار وقت بخواهید و مطالب را به عرض اعلیحضرت همایونی برسانید اگرچه گمان ندارم اندک فایده‌ای مترتب شود. به کلی حقیر از اصلاحات این مملکت مأیوس هستم.» [۱۱]

به هر حال، هیچ‌یک از اقدامات آیت‌الله بروجردی مؤثر واقع نشد، آقای فلسفی پیشنهاد کرد که در رمضان ۱۳۳۴ که سخنرانی وی از رادیو به‌طور مستقیم پخش می‌شود، دست به یک تبلیغ علیه بهائیت زده شود. آیت‌الله بروجردی این پیشنهاد را پسندیدند و اضافه کردند بهتر است این مسئله به شاه گفته شود که «بعدا مستمسک به دست او نیاید که کارشکنی بکند و پخش سخنرانی از رادیو قطع گردد، زیرا این مطلب برای مسلمانان خیلی گران خواهد بود و باعث تجری هر چه بیشتر بهائی‌ها می‌شود». آقای فلسفی با شاه ملاقات کرد و نظر آیت‌الله بروجردی را به شاه اطلاع داد. شاه در پاسخ گفت: «بروید بگویید». آقای فلسفی موضوع را به وعاظ تهران نیز ابلاغ کرد که

در ماه رمضان همه‌ی مساجد علیه بهائیان دست به تبلیغ بزنند. [۱۲] ماه رمضان فرارسید. به گزارش هفته‌نامه‌ی ترقی «امسال از آغاز ماه مبارک رمضان که ماه عبادت و اجتماع مسلمین در مساجد و تکایا و استماع وعظ و خطابه‌ی روحانیون و وعاظ است، موضوع مبارزه با بهائی‌ها و خطر فرقه‌ی بهائی در رأس کلیه‌ی مطالب مورد بحث اکثر آقایان وعاظ و روحانیون قرار گرفت و هماهنگی روحانیون در مبارزه علیه بهائی‌ها و مخصوصا اظهارات شدید آقای فلسفی واعظ شهیر که مستقیما از رادیو تهران پخش می‌شد کم‌کم به طوری افکار و اذهان عمومی را به خود جلب کرد که موضوع خطر بهائی‌ها و مبارزه علیه آنان یک هفته بعد از آغاز ماه مبارک رمضان کلیه‌ی مسائل سیاسی و وقایع جاری کشور را تحت‌الشعاع خود قرار داد.» [۱۳]



شدند تا از طرف شاه به آقای فلسفی اخطار کنند که از ادامه بحث خودداری کند. آقای فلسفی قاطعانه از پذیرفتن نظر شاه خودداری کرد و عمل به یکی از چهار طرح را پیشنهاد کرد: ۱- قطع پخش سخنرانی از رادیو. ۲- دستگیری و زندانی کردن من. ۳- اعلام پیام شاه توسط مقدم و بختیار روی منبر. ۴- ادامه سخنرانی به سبک سابق. آن دو این طرح‌ها را نپذیرفتند و گفتند به اعلیحضرت توهین می‌شود. آقای فلسفی در پاسخ گفتند: «اگر بگویم اعلیحضرت گفته‌اند به ایشان اهانت می‌شود؛ اما اگر اسلام و مسلمانان و آیت‌الله بروجردی و من مورد اهانت واقع شویم، مانعی ندارد؟» مذاکره بی‌نتیجه قطع شد و آقای فلسفی تا آخر ماه رمضان به سخنرانی خود علیه بهائیان ادامه دادند. [۲۱] آقای فلسفی در یکی از سخنرانی‌های خود، پیکان حمله را به طرف شخص شاه روانه ساخت و گفت: «اعلیحضرت! مملکت ما این همه طبیب مسلمان دارد. مردم ناراحت هستند از اینکه دکتر ایادی بهائی طبیب مخصوص شماس است. او را عوض کنید». [۲۲]

آیت‌الله بروجردی هم که به اقدامات دیپلماتیک خود ادامه می‌دادند، در پیامی به آقای صفایی - نماینده قزوین، که یکی از روحانیون طرفدار آیت‌الله کاشانی بود - از وی خواستند تا مبارزه علیه بهائیان را قانونی کنند، اما دولت پیش‌دستی کرد و وزیر کشور، علم، بخشنامه‌ای را صادر کرد و برای توضیح در مجلس حاضر شد. او اعلام کرد: «دولت معتقد است که برای جلوگیری از فعالیت‌های مضره این‌گونه دستجات، قوانین کافی در دست است و ما می‌توانیم این کار را به نحو احسن انجام دهیم». سیداحمد صفایی، پیام آیت‌الله بروجردی را مطرح کرد، عده‌ای از نمایندگان گفتند: «فرقه‌ی بهائی غیرقانونی هست و احتیاج به قانون ندارد». [۲۳]

در بخشنامه‌ی وزیر کشور از یک سو، نامی از فرقه‌ی بهائیان برده نشد و از سویی دیگر، تیغ‌ی دوله‌ای بود که هم فرقه‌ی بهائی را تهدید می‌کرد و هم روحانیان را به عنوان «تحریک مردم بر ضد امنیت عمومی» و هم مردم را به عنوان «مرتکب» مورد تهدید قرار می‌داد. برخورد دو رویانه‌ی دولت موجب عصبانیت آیت‌الله بروجردی شد و از همین جا روابط آیت‌الله و رژیم رو به سردی گرایید. بی‌اعتنایی دولت به خواست آیت‌الله، که ادامه‌ی مبارزه با بهائیت بود، نقطه‌ی آغازین رویارویی آیت‌الله با رژیم شد. مبارزات یک ماهه‌ی روحانیون تأثیر نسبی خود را گذاشت و بسیاری از محافل بهائیان، در سرتاسر ایران تخریب شد. بسیاری از مسلمانان که با تحریک یا کمک‌های مالی تظاهر به بهائی بودن می‌کردند اعلام توبه نمودند، بهائیان دست از جسارت برداشتند و حالتی نیمه مخفی به خود گرفتند و از تبلیغات آنان نیز کاسته شد. یکی از آثار آن مبارزه این بود که «در اثر این حرکت تعدادی از بهائیان از ایران رفتند و ایادی نیز به دستور محمدرضا، ۹ ماه به ایتالیا رفت». [۲۴] به هر حال بهائیان که امیدوار بودند که در رأس سده‌ی اول به پیروزی برسند، مواجه با شکستی شدند که دیگر نتوانستند مانند سابق ابراز وجود کنند. موضوع دیگری را که باید از آثار این مبارزه دانست، ایجاد شکاف بین مرجعیت و سلطنت بود.

آقای فلسفی و سایر وعاظ در این سخنرانی‌ها مردم را دعوت به آرامش کرده و می‌گفتند: «اظهار این مطالب برای هوشیاری دولت [است] و از طریق قانونی و رسمی برای بستن مراکز بهائی‌ها و جلوگیری از فعالیت‌های آنان اقدام خواهد شد». همچنین، حضرت آیت‌الله بروجردی طی مصاحبه‌ای در قم اظهار داشتند که «باید در جریان مبارزه علیه فرقه‌ی ضاله‌ی بهائی نظم و آرامش در سراسر کشور برقرار باشد». [۱۴] با همه‌ی این سفارش‌ها مردم که از جسارت‌ها و خصومت‌های بهائی‌ها به تنگ آمده بودند، فرصت را مغتنم شمردند و بسیاری از محافل بهائیان را در شهرها تخریب کردند و در تهران نیز مرکز بهائیان را به نام حظیره‌القدس تصرف کردند. شاه و دولت که عکس‌العمل مردم را پیش‌بینی نکرده بودند، ابتدا سعی کردند تا هدایت مبارزات مردمی را خود در دست بگیرند؛ لذا فرمانداری نظامی، حظیره‌القدس را تصرف کرد و طی اطلاعیه‌ای اعلام کرد: «چون تظاهرات و تبلیغات فرقه‌ی بهائی موجب تحریک احساسات عمومی شده است، لذا به منظور حفظ نظم و انتظامات عمومی، دستور داده شد قوای انتظامی، مراکز تبلیغات این فرقه را که حظیره‌القدس نامیده می‌شود اشغال نمایند که از هرگونه پیشامدهای احتمالی جلوگیری شود. اینک فرمانداری نظامی شهرستان تهران از همه‌ی هم‌میهنان عزیز انتظار دارد در این مورد نیز مراعات نظم عمومی را نموده و از هرگونه تظاهرات و حرکات خودسرانه که محل انتظامات عمومی است، جدا بپرهیزند و یقین داشته باشند که دولت در اجرای منویات اعلیحضرت همایونی شاهنشاهی به احساسات و تمایلات مردم توجه داشته و همواره در اندیشه‌ی آسایش و برآوردن نیازمندی‌ها عمومی است». [۱۵]

به دنبال بسته شدن حظیره‌القدس و شدت یافتن مبارزات روحانیت علیه بهائیان، سیل طومارها و تلگرافات در حمایت از مبارزات سرازیر شد. طبق اعلام آقای فلسفی در مصاحبه با مطبوعات «تقریباً روزی دویست نامه و تلگراف به من می‌رسد و چهار ساعت وقت من صرف مطالعه‌ی آنها می‌شود... و قریب همین تعداد در روز جواب تلفن می‌دهم. خبرنگار پرسید آیا این نامه‌ها و تلگراف‌ها و تلفن‌ها همه تأیید است؟... جواب دادند بالاتفاق تأیید این امر است». آقای فلسفی برای تأیید ادعای خود خبرنگاران را به اتاق مجاور برد و طومارهای انباشته شده را به خبرنگاران نشان داد. [۱۶]

آیت‌الله آقا سیدعبداله‌ی شیرازی از نجف در تأیید مبارزات آیت‌الله بروجردی اعلامیه‌ای صادر کرد و آقای فلسفی آن را در منبر قرائت کرده و از رادیو نیز پخش شد. از سرتاسر ایران طومارهایی ارسال کردند که بزرگ‌ترین آنها طوماری بود که از کرمانشاه رسیده بود که ۶۰-۷۰ هزار نفر امضا کرده بودند. [۱۷]

آیت‌الله بهبهانی طی تلگرافی به شاه از «بستن کانون فساد دینی و مملکتی... به وسیله‌ی ارتش اسلام» تشکر کرد. [۱۸] شاه نیز در پاسخ آیت‌الله بهبهانی نوشت: «به طوری که از ما شنیده‌اید همیشه خود را به اجرای مقررات اسلام موظف دانسته و ادامه‌ی این توفیق را از خداوند متعالی خواهیم». [۱۹]

آیت‌الله بهبهانی نیز طی تلگرافی به آیت‌الله بروجردی، روز تصرف حظیره‌القدس را عید دانست. [۱۹] از سویی دیگر، چند نفر از علمای تهران به حضور شاه رسیدند و از بستن حظیره‌القدس تشکر کردند. [۲۰] با همه‌ی این تشکرها و تعارفات، نفوذ بهائیان در کنگره‌ی آمریکا موجب شد که شاه را تحت فشار قرار دهند. تصمیم گرفته شد که آقای فلسفی را از ادامه‌ی سخنرانی علیه بهائیان منع نمایند. لذا، سرلشکر علوی مقدم رئیس کل شهربانی و سرتیپ تیمور بختیار فرماندار نظامی تهران، مأمور

## پی‌نوشت‌ها

- [۱]. پرونده‌ی کلاسه ۲۹۰۹/۱۸۵-۲۳/۱۱/۲۱ دادسرای شاهرود، به نقل از: حجت‌الاسلام آقای حاج شیخ حسین خراسانی، فجایع بهائیت یا واقعه‌ی قتل ابرقو
- [۲]. همان، ص ۲۱
- [۳]. همان، بخش آخر
- [۴]. حجت‌الاسلام محمدرضا حسین ارسنجانی، تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی (تاریخ حوزه‌ی علمیه‌ی قم)، ص ۱۶۵
- [۵]. حسین فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ص ۲۰۲



## نقش بهائیان در کشتار مردم ایران در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲

محمد جعفر بگلو با رحلت آیت‌الله بروجردی که اقدامات قابل توجهی در مبارزه با فرقه ضاله بهائیت انجام داده بود، روحانیت شیعه با سردمداری امام خمینی(ره) همچنان مبارزه با این فرقه را در دستور کار خود قرار داد. از سال‌های ۴۱ تا ۴۳ امام(ره) همواره و در مواقع مختلف بهائیان را به عنوان عامل صهیونیسم در ایران مورد حمله قرار می‌دادند. مهم‌ترین افشاگری‌های امام(ره) علیه این فرقه ضاله در عصر عاشورای سال ۱۳۴۲ بود. از همین‌رو دشمنی این فرقه ضاله با نهضت امام خمینی(ره) روز به روز بیشتر می‌شد؛ به‌طوری که آنان از کشتار مردم توسط رژیم پهلوی حمایت می‌کردند. در ادامه به نمونه‌هایی که نشانگر نقش بهائیان در کشتار مردم در قیام ۱۵ خرداد است اشاره می‌شود.

### ■ نقش بهائیان در اعدام شهدای پانزده خرداد

پس از قیام ۱۵ خرداد، رژیم پهلوی اقدام به دستگیری‌های گسترده کرد. در این بین حاج اسماعیل رضایی و طیب حاج‌رضایی از جمله افرادی بودند که در نهایت به جوخه اعدام سپرده شدند. گفتنی است که این دو نفر به دلیل ارتباط نزدیکی که به ویژه از اواسط دهه سی با روحانیت شیعه با مرکزیت آیت‌الله بروجردی داشتند، در مبارزات ضد بهائی که در آن دوران از سوی علما پیگیری می‌شد حاضر بودند. در دوران اوج مبارزه با بهائی‌گری، طیب حاج‌رضایی به همراه عده‌ای دیگر، «گلستان جاوید» را که گورستان بهائیان، واقع در منطقه مسگرآباد بود، تخریب کرد. [۱] حاج اسماعیل رضایی نیز با تاسیس مسجدی به نام «مسجد صاحب الزمان(عج)» درست در مقابل شرکت «پپسی‌کولا» که متعلق به بهائیان بود نقش بسزایی در تضعیف این فرقه ضاله داشت. [۲] بر همین اساس زمینه‌های دشمنی بهائیان نسبت به این دو شکل گرفت. در واقع از آنجاکه طیب حاج‌رضایی و حاج اسماعیل رضایی، تحت تعالیم حوزه علمیه، در جریان مبارزه با بهائیت نقش مؤثری داشتند، لذا به دشمنان اصلی این فرقه بدل شدند. چنانکه گفته می‌شود، حتی بهائیان پس از اعدام طیب و حاج اسماعیل، با برگزاری جشنی به شادمانی پرداختند. همچنین چنانکه بعدها فاش شد، یک سرمایه‌دار بهائی به نام «حبیب‌الله ثابت پاسال»، و نیز «یادی»، پزشک مخصوص شاه، در اعدام آن دو نقش داشتند. به‌طوری که ثابت پاسال در دیدار با شخص محمدرضا شاه، خواستار اعدام آنها شده بود.

در همین رابطه، حسین شاه‌حسینی معتقد است: «یکی از علل اعدام حاج اسماعیل و طیب، مقابله آنان با بهائیت بود. در واقع این امر منشأ کینه بهائیان که در دستگاه حاکمه نفوذ داشتند شد.» [۳]

فرزند طیب حاج‌رضایی نیز معتقد است که مبارزات طیب با بهائیان موجب شد تا آنها کینه او را در دل بگیرند به‌طوری که در اعدام طیب رد پای یادی، پزشک بهایی شاه و نیز حبیب‌الله ثابت پاسال، یکی از سرمایه‌داران بهایی کشور نیز دیده می‌شود. [۴]

### ■ حمایت بهائیان از سرکوب مردم در قیام ۱۵ خرداد

علاوه بر مواردی که پیش از این اشاره شد، مدارک و اسناد موجود حکایت از همدلی و همراهی فرقه ضاله بهائیت با دولت اسدالله علم در کشتار مردم در روز ۱۵ خرداد ۴۲ دارد به طوری که پس از سرکوب قیام

- [۶]. علی دوانی، مفاخر اسلام، ص ۳۶۷
- [۷]. حجت‌الاسلام فلسفی، خاطرات و مبارزات، ص ۱۸۵
- [۸]. حجت‌الاسلام سیدجوادعلوی، چشم و چراغ مرجعیت، ص ۳۴۲
- [۹]. حجت‌الاسلام فلسفی، خاطرات و مبارزات، ص ۱۸۸
- [۱۰]. همان، ص ۱۳۳
- [۱۱]. همان، ص ۱۸۹
- [۱۲]. همان، صص ۱۹۰ - ۱۹۱
- [۱۳]. هفته‌نامه‌ی ترقی، سال ۱۳۳۴، شماره‌ی ۶۴۴
- [۱۴]. همان
- [۱۵]. روزنامه‌ی اطلاعات، ۱۶/۲/۱۳۳۴
- [۱۶]. هفته‌نامه‌ی خواندنی‌ها، سال ۱۵، شماره‌ی ۶۹
- [۱۷]. حجت‌الاسلام واعظزاده، چشم و چراغ مرجعیت، ص ۲۴۴
- [۱۸]. روزنامه‌ی اطلاعات، ۱۸/۲/۱۳۳۴
- [۱۹]. همان
- [۲۰]. همان، ۴/۲/۱۳۳۴
- [۲۱]. حجت‌الاسلام فلسفی، خاطرات و مبارزات، ص ۱۹۵
- [۲۲]. همان، ص ۱۸۶
- [۲۳]. روزنامه‌ی طلوع، ۲۷/۲/۱۳۳۴- متن بخشنامه‌ی وزیر کشور چنین بود: «چون به موجب اصل اول متمم قانون اساسی مذهب رسمی ایران، اسلام و طریق حقه‌ی جعفریه‌ی اثنا عشریه است و به موجب مفهوم اصل ۲۱ قانون اساسی انتشارات ضد دیانت و تشکیل انجمن‌ها و اجتماعاتی که مولد فتنه‌ی دینی و دنیوی و مخل نظم باشند در تمام مملکت ممنوع می‌باشد، لذا در اجرای اصول قانون اساسی اقدام کرده مراکز اجتماعی را که موجب فتنه‌ی دینی و دنیوی و مایه‌ی اختلال امنیت و انتظام می‌باشد، منحل ساخته و در آتیه نیز با کمال جدیت در انجام این وظیفه‌ی مهم که برطبق قانون اساسی به‌عهده دارید اقدام و از هرگونه تظاهر به عمل این‌گونه دسته‌ها که به موجب قانون ممنوع است، جلوگیری نمایند... بدین‌وسیله یادآور می‌شود که هرگاه کسانی به بهانه و عنوان مبارزه با فرقه‌های گمراه کننده به تحریک مردم برضد امنیت عمومی مملکت بپردازند یا خود مرتکب عملی شوند که کوچک‌ترین لطمه‌ای به امنیت عمومی و انتظامات کشور برساند، طبق مقررات قانون مجازات عمومی که برای این‌گونه جرایم پیش‌بینی شده، با کمال قدرت اقدام نمایند».
- [۲۴]. مراجعه کنید به: خاطرات آیت‌الله طاهری خرم‌آبادی، صص ۶۹ - ۹۶

### سندی از مبارزات آیت‌الله کاشانی با فرقه ضاله بهائیت



گزارشی از این وقایع به حمایت از رژیم پهلوی و سرکوب مردم مسلمان ایران پرداخت و معترضان را مشتکی اراذل و اوباش خواند. متن گزارش مزبور بدین شرح است:

«به قسمی که یاران عزیز رحمانی استحضار دارند در روز ۱۵ خرداد ماه ۱۳۴۲ در تعقیب عزاداری محرم تظاهراتی در طهران و شهرستانها ظاهر شد. در طهران تظاهرکنندگان به شیشه‌های منازل و عمارات دولتی از قبیل وزارت کشور، وزارت دارائی و موسسات و بانکها حمله‌ور شده و حتی کیوسک‌های تلفن و بلیط‌فروشی و چراغ‌های راهنمایی و رانندگی را شکسته و از کار انداختند.

این تظاهرات به حدی شدید بود که مامورین انتظامی ناچار از مداخله مسلحانه شده و حکومت نظامی اعلام گردید. حتی در اثر دخالت مامورین و جلوگیری از اراذل و اوباش عده کثیری مجروح، مضرور و مقتول شده‌اند که در روزنامه‌های رسمی جریان آن منتشر شده است.»

### ■ افزایش نفوذ بهائیان پس از قیام ۱۵ خرداد

پس از سرکوب وحشیانه قیام ۱۵ خرداد، نفوذ بهائیان در دربار بیش از پیش شد به طوری که علنا و بی‌هیچ ابایی، در دستگاه‌های دولتی به کار گرفته می‌شدند. در دوران نخست‌وزیری هویدا، بهائیان بیش از پیش به مراکز حساس کشور دست انداختند. از جمله مهره‌های بهائی که پس از سرکوب قیام ۱۵ خرداد در بخش‌های مختلف سیاسی و اقتصادی کشور نفوذ پیدا کردند، می‌توان به افرادی همچون «هژبر یزدانی» سرمایه‌دار، «ثابت پاسال» رئیس رادیو تلویزیون، «فرخرو پارسا» وزیر آموزش و پرورش، «شاهقلی» وزیر بهداری، «ایادی» پزشک مخصوص محمدرضا پهلوی و «پرویز ثابتی» معاون ساواک، اشاره کرد.

مردمی این روز، بهائیان رسماً اعلام کردند که حمایت از کشتار معترضین در ۱۵ خرداد و نیز حمله به مدرسه فیضیه قم، پاسخ آنان به تخریب «حضرت‌القدس» بود. [۵]

به علاوه، دبیر محفل بهائیان، در نامه‌ای که در ۲۰ خرداد ۴۲ و تنها پنج روز پس از سرکوب خونین قیام ۱۵ خرداد آن سال برای پرویز خسروانی که در آن دوران فرمانده ژاندارمری تهران بود نوشت، ضمن اهانت به مردم ایران و روحانیون، به طور ضمنی از نقش وی در سرکوب این قیام حمایت کرد. در قسمتی از این پیام تقدیر آمده است:

«تیمسار سرتیپ پرویز خسروانی؛ فرماندهی ژاندارمری ناحیه مرکز تاریخ یکصد و بیست ساله جهان بهائی، به خصوص در ایران همواره مشحون از شهادت نفوس و تراج دارائی و اموال آنان به دست اراذل و اوباش و به تحریک ارباب عمائم و یا افرادی نادان بوده است؛ ولی در خلال صفحات این تاریخ همواره ستاره‌های درخشانی در مقامات دولتی وجود داشته‌اند که با توجه به وظایف اساسیه وجدانیه و اجتماعی خود نوع دوستی و عدالت‌گستری نموده و به کرات مانع تجاوز رجاله و یا علمای بدعمل شده‌اند.»

در ادامه این نامه درمورد حوادث ۱۵ خرداد آمده است: «زحمات و خدمات و سرعت عمل تیمسار در جلوگیری از تجاوز اراذل و اوباش و رجاله کرارا در سنین اخیر در این محفل مذکور شده است، بخصوص در این ایام اخیر که بحمدالله اولیای امور نیز به رأی‌العین سوءعمل جهالی معروف به علم را مشاهده کرده و هر دیده

منصفی رذالت و جهالت و پستی فطرت این افراد را گواهی می‌دهد. یقین است عموم

دوستداران مدنیت و علم و اخلاق و دیانت

زحمات تیمسار را با دیده احترام و تقدیر

نگریسته و تاریخ امر بهائی آن جناب

را در ردیف همان چهره‌های

درخشان حافظ و نگهبان

مدنیت عالم انسانی ثبت و

ضبط خواهد نمود.»

در همان حال پس از وقایع

۱۵ خرداد نشریه «اخبار

امری» ارگان رسمی

مرکزیت بهائیان ایران

با درج

### ۶ پی‌نوشت‌ها

۱- «طیب آزادمردی از تبار پانزده خرداد»، تهران: نشریه پانزده خرداد، ص ۲۵۸.

۲- گروه فرهنگی شهید ابراهیم هادی، طیب: زندگینامه و خاطرات حر نهضت امام خمینی(س)، ص ۱۷۶.

۳- گروه فرهنگی شهید ابراهیم هادی، طیب: زندگینامه و خاطرات حر نهضت امام خمینی(س)، ص ۱۷۷.

۴- زندگانی و عملکرد سیاسی طیب حاج‌رضایی به روایت فرزندش، پایگاه اطلاع رسانی ۱۵ خرداد.

[http://www.15khordad.com/?page=interview&id=45]

۵- ثریا شهسواری، اسناد فعالیت بهائیان در دوره محمدرضا پهلوی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ص ۹۸.



## کوتاه نوشته‌ها

### ارتباط بهائیان با رژیم صهیونیستی

«فریدون رامش فر»، یکی از بهائیان که مسافرتی به اسرائیل داشته، درباره نحوه برخورد اسرائیلی‌ها با بهائیان می‌گوید: «... دولت اسرائیل آن قدر نسبت به بهائیان خوشبین است که در فرودگاه خود، احیا (بهائیان) را بازرسی نمی‌کند. به طوری که وقتی رئیس کاروان به پلیس اظهار می‌دارد این‌ها بهائی هستند، حتی یک چمدان را باز نمی‌کنند ولی بقیه مسافری و حتی کلیمی‌ها را بازرسی می‌کنند به طوری که یک کلیمی اعتراض کرده بود که چرا بهائیان را بازرسی نمی‌کنید و ما را که اینجا موطن مان است، مورد بازرسی قرار می‌دهید!»

برگرفته از کتاب تاریخ قیام پانزدهم خرداد به روایت اسناد

### حمایت بهائیان از اسرائیل و دشمنی با مسلمانان

بهائیان در جنگ مسلمانان و اسرائیل، همواره از اسرائیل حمایت کردند و علیه مسلمانان به تبلیغ می‌پرداختند و حتی برای کمک به ارتش اسرائیل، پول جمع آوری می‌کردند. در همین ارتباط، در یکی از اسناد پس از جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل در سال ۱۳۴۶ آمده است:

«... مبلغی در حدود ۱۲۰ میلیون تومان به وسیله بهائیان ایران جمع آوری گردید و تصمیم دارند این مبلغ را در ظاهر به بیت العدل در حیفا ارسال نمایند، ولی منظور اصلی آنها از ارسال این مبلغ کمک به ارتش اسرائیل می‌باشد. مقدار قابل ملاحظه‌ای از این پول به وسیله حبیب ثابت، تعهد و پرداخت شده است ...»

در سال ۱۳۴۷ در یکی از کمیسیون‌های فرقه مزبور، سخنگوی کمیسیون پس از ابراز خرسندی از پیروزی اسرائیل در جنگ‌های با اعراب گفت: «پیشرفت و ترقی ما بهائیان این است که در هر اداره ایران و تمام وزارتخانه‌ها یک جاسوس داریم و هفته‌ای یک بار طرح‌های تهیه شده به وسیله دولت به عرض شاهنشاه می‌رسید. گزارش‌هایی در زمینه آن طرح‌ها به محافل روحانی بهایی می‌رسد. مثلاً در پیمان کار، کادر بهائیان ایران هر روز گزارش خود را در زمینه ارتش ایران و اینکه چگونه چتربازان را آموزش می‌دهند، به محفل روحانی بهائیان تسلیم می‌نمایند.»

برگرفته از کتاب تاریخ قیام پانزدهم خرداد به روایت اسناد

### توهین‌های زشت بهائیت به ایرانیان

فضل الله صبحی مهتدی، از بهائیان معروف کاشان بود که پس از یک دوران زندگی و تبلیغ در جمع بهائیان، از بهائیت روی گرداند و به اسلام گروید.

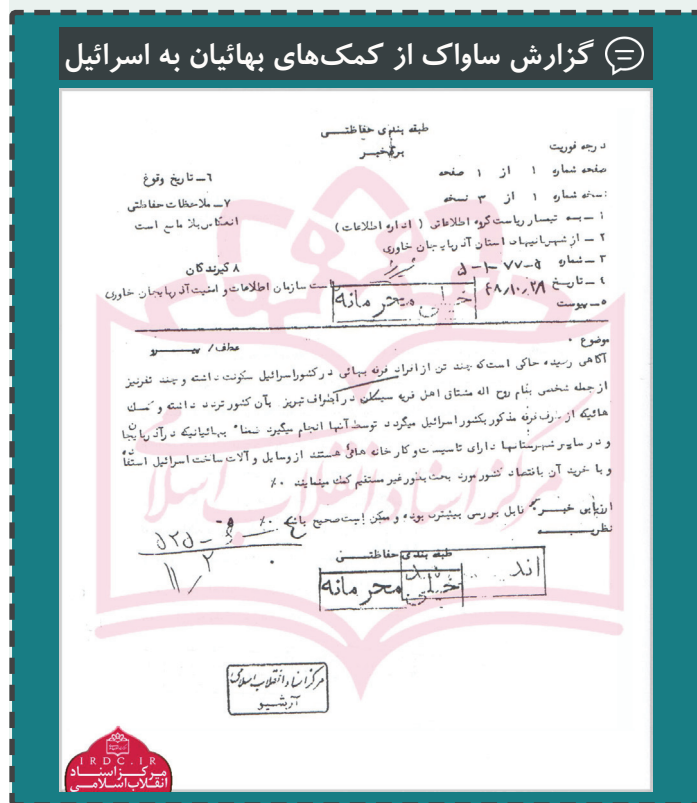
صبحی در مورد تبعیض و تحقیر ایرانیان توسط بهائیان و عبدالبهاء می‌گوید: بهائیان میان ایرانی‌ها و فرنگی‌ها تبعیض بسیاری قائل بودند. به عنوان مثال ایرانی‌ها همه در یک اتاق روی زمین می‌خوابیدند اما فرنگی‌ها هر یک یا دو نفر یک اتاق مجهز داشتند و روی تخت‌های راحت و فنی بودند و ابزار آسایش و خوراکشان فراهم تر بود. همچنین بهائیان همواره در سخنان و بیانیه‌ها و اعلام‌ها، درباره ایرانیان از عبارات ناشایست استفاده می‌کردند و می‌گفتند «این‌ها مردمی بودند مانند جانوران درنده، خونریز و بدستیز، دور از آموزش و پرورش در

هوس‌های ناهنجاری فرو رفته زشت کار و بد کردار...» و چنان در گفتن این سخنان تردست بودند که هر کس از مردم بیگانه که با سخنان آنها آشنا شده بودند، ایرانی‌ها را پست‌ترین مردم جهان می‌دانستند. برگرفته از کتاب خاطرات زندگی صبحی

### حمایت مصدق از بهائیان

یکی از شیوه‌های مبارزاتی آیت‌الله بروجردی با بهائیت، آگاه‌سازی مقامات دولتی و صاحب‌منصبان کشوری از تحرکات و اقدامات مضره این فرقه بود. در همین راستا به دستور آیت‌الله بروجردی، حجت‌الاسلام فلسفی با مصدق، نخست‌وزیر وقت، دیدار کرد اما متوجه شد که او نیز حامی بهائیان است. حجت‌الاسلام فلسفی جزئیات این ملاقات را این‌گونه روایت می‌کند: «بهائی‌ها در شهرستان‌ها مسئله‌ساز شده بودند و قدرتمایی می‌کردند. به امر حضرت آیت‌الله‌العظمی بروجردی، وقت ملاقات گرفتم و نزد مصدق رفتم و پیام آقای بروجردی را به وی رساندم و گفتم: شما رئیس دولت ایران هستید و الان بهائی‌ها در شهرستان‌ها فعال هستند و مشکلاتی را برای مردم مسلمان ایجاد کرده‌اند؛ لذا مرتباً نامه‌هایی از آنان به عنوان شکایت به آیت‌الله بروجردی می‌رسد؛ ایشان لازم دانستند که شما در این باره اقدام بفرمائید. مصدق بعد از تمام شدن صحبت من به‌گونه تمسخرآمیزی قاه‌قاه و با صدای بلند خندید و گفت: آقای فلسفی از نظر من مسلمان و بهائی فرق ندارند! همه از یک ملت و ایرانی هستند! این پاسخ برای من بسیار شگفت‌آور بود زیرا اگر سوال می‌کرد فرق بین بهائی و مسلمان چیست برای او توضیح می‌دادم. اما با آن خنده تمسخرآمیز و موهن دیگر جایی برای صحبت کردن باقی نماند. لذا سکوت کردم و موقعی که به محضر آیت‌الله بروجردی رسیدم این جمله را گفتم ایشان نیز به حالت بهت و تحیر پیام مصدق را استماع کرد.»

برگرفته از کتاب خاطرات و مبارزات حجت‌الاسلام فلسفی





## بهائیت در ایران

کتاب «بهائیت در ایران» در صدد تبیین چگونگی پیدایش بهائی گری در ایران است که در این راستا پس از ارائه نظراتی در باب جنبش های اجتماعی، بهائیت را به عنوان یک جنبش اجتماعی تلقی می کند که دارای زمینه اجتماعی، ایدئولوژی و کنشگران مختلف بوده است. نویسنده پس از بیان زمینه اجتماعی، ایدئولوژی و کنشگران بهائیت، بهائی گری را در سه دوره قاجار، انقلاب مشروطه و عصر پهلوی بررسی می نماید و در پایان اشاره ای نیز به وضعیت بهائی گری پس از پیروزی انقلاب اسلامی دارد. فرضیه اصلی کتاب این است که بهائی گری به عنوان جنبشی سیاسی - اجتماعی به دنبال شکستن اقتدار مذهبی و قدرت روحانیت در ایران بوده است تا به این وسیله کانونهای مقاومت بر ضد سیاستهای استعماری در داخل کشور را - که اصولاً منشعب از مذهب شیعه بوده است - از هم متلاشی کند.

## بهائیت در ایران

### پیوند بهائیت و صهیونیسم

کتاب «پیوند بهائیت و صهیونیسم» در باب ارتباط متقابل میان صهیونیسم و بهائیت می باشد. با توجه به همکاری همه جانبه بهائیت و صهیونیسم در پیش و پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در اثر حاضر تلاش شده تا ماهیت فرقه بهایی روشن گردیده و ارتباط متقابل صهیونیسم و بهائیت شفاف سازی شود تا به این وسیله آذهان مردم نسبت به خطرات نفوذ این عوامل بیگانه در جوامع اسلامی بیدار گردد. در همین راستا نخست به طور مختصر در باب مفهوم شناسی صهیونیسم و بهائیت بحث شده و سپس در بخش دوم با عنوان برخی حمایت ها و خدمات بهائیان به صهیونیسم، روابط سران بهائیت و صهیونیسم به خصوص در زمینه تشکیل رژیم صهیونیستی بررسی گردیده است. در بخش پایانی کتاب با عنوان «هم پیمانی صهیونیسم با بهائیان» در باب تلاش های یهودیان در ترویج بهائیت، رابطه رجال صهیونیستی و بهائیت، امکانات ویژه و حمایت از بهائیان در سرزمین اشغالی و حمایت رسانه ای صهیونیسم از بهائیت بحث شده است. مشخصه آن، توجه به پیوند بهائیت و صهیونیسم از لحاظ تاریخی - سیاسی است.



زینت سادات انوری

### پیوند بهائیت و صهیونیسم

### اسناد فعالیت بهائیان در دوره محمدرضا شاه

کتاب «اسناد فعالیت بهائیان در دوره محمدرضا شاه» از دو بخش کلی تشکیل شده است: در بخش اول که قسمت پژوهشی نوشتار حاضر می باشد، به پیشینه تاریخی بهائیت و نحوه شکل گیری فرقه بهائیه، و تبیین فرقه بهائیت از زمان شکل گیری تا پیروزی انقلاب اسلامی پرداخته شده است. بخش دوم شامل اسناد مختلفی است که به بهائیت مربوط می شود. مجموعه اسناد مربوط به فرقه بهائیت در مرکز اسناد انقلاب اسلامی بالغ بر چند هزار برگ است که در چند پرونده ای افرادی - شامل فعالیت های بهائیان در شهرهای مختلف می باشد - نگهداری می شود. اسناد مذکور که حول فعالیت های سیاسی، اقتصادی، تبلیغاتی بهائیان گردآوری شده است، شامل گزارش های مأموران شهربانی و ساواک و حاصل کنترل بهائیان توسط ادارات مختلف سازمان امنیت و اطلاعات کشور (ساواک) و مأموران شهربانی می باشد. عمده ترین مطالب اسناد، گزارش های شهربانی است که از سال های پایانی حکومت رضاشاه پهلوی آغاز شده و تا سال ها پس از پیروزی انقلاب اسلامی ادامه می یابد. پس از آن، گزارش های ساواک نیز به مطالب فوق افزوده شده است. براساس موضوع اسناد به چند بخش تقسیم می شود: ۱. اسناد مربوط به فعالیت های تبلیغاتی بهائیان، تقریباً در سراسر ایران به ویژه شهرهای بزرگی چون شیراز، اصفهان، تبریز، آبادان، همدان و... ۲. اسناد مربوط به نحوه ارتباط بهائیان ایران با مرکز بزرگ بهائیت «بیت العدل اعظم» در حیفا و ارسال کمک های مالی، هدایا و نذورات به آنجا از مهم ترین موضوعات این بخش است. ۳. اسناد مربوط به مخالفت و مبارزات علما

و گروه های مذهبی مسلمان علیه فعالیت های بهائیان و درگیری میان بهائیان و مسلمانان در نواحی مختلف. ۴. اسناد راجع به فعالیت های سیاسی بهائیان و نفوذ آنان در مراکز و مشاغل دولتی. مهم ترین ویژگی این اسناد، سیاسی بودن آنها و نحوه ارتباط بهائیان با حکومت پهلوی، همچنین میزان حمایت و پشتیبانی دولت پهلوی از بهائیان است. بخش مهم دیگری از اسناد به فعالیت های اقتصادی بهائیان و سوءاستفاده ها و زدوبندهای ناشی از آن مربوط می شود که غالباً پرونده ای اسناد این بخش به شکل پرونده های افرادی است و به اشخاص مقتدر و صاحب نفوذ در امور حکومت مربوط می باشد. یکی از مهم ترین موضوعات اسناد مربوط به ارتباط بهائیان با یهودیان و نوع همکاری آنان با یکدیگر می باشد. به ویژه اسناد مربوط به ارسال کمک های مالی بهائیان ایران به یهودیان پس از تشکیل دولت اسرائیل نشان دهنده میزان همکاری بهائیان با دولت اسرائیل و تأثیر آنان بر چگونگی اوضاع آن زمان می باشد.